

الزامات توسعه مسئولیت مدنی - رسانه‌ی در حقوق افغانستان

نگارنده: سید عباس حسینی^{۱*}، دکتر علیرضا باریکلو^۲، دکتر عبدالرضا علیزاده^۳،

دکتر عبدالله رجیبی^۴

چکیده

در دوره معاصر، زنده‌گی انسان‌ها توأم با استفاده روزافزون از رسانه و پُررنگ‌شدن نقش آن در لایه‌های مختلف زنده‌گی آنان بوده‌است. کم‌تر انسانی را می‌توان سراغ داشت که با یکی از انواع رسانه‌ها سروکار نداشته باشد. گسترش فعالیت‌های رسانه‌یی ممکن است به حقوق انسان‌های دیگر لطمه وارد کند. در این صورت عامل زیان، مسؤول دانسته می‌شود. در راستای صیانت از حقوق انسان‌ها، مسؤولیت جزایی مبتنی بر رسانه، قابل توجیه است. ازسویی ضمانت اجراهای جزایی ممکن است به آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها آسیب جدی وارد نماید. بدین‌روی این پرسش مطرح است که آیا مسؤولیت مدنی را می‌توان بدیلی برای مسؤولیت جزایی در حوزه رسانه، قلم‌داد کرد؟ پاسخ به این پرسش بدان جهت مهم به نظر می‌رسد که روی کرد حقوقی افغانستان در این عرصه، بیش‌تر کیفری است. اتخاذ روی کرد مدنی، گشایشی ارزش‌مند برای کنش‌گران رسانه‌یی به حساب خواهد آمد. تحقیق حاضر، که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که باتوجه به دلایلی هم‌چون ضرورت حمایت از آزادی بیان، گردش آزاد اطلاعات، صیانت از حقوق طرفین دعوی رسانه‌یی، قابلیت جای‌گزینی غرامت مالی، امکان جبران خسارت توسط بیمه و هم‌گامی با رویه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای متمدن دیگر، سیاست جنایی مناسب، هم‌گام‌شدن با ساختار نوینی است که این روزها در عرصه بین‌المللی و کشورهای اسلامی در حوزه رسانه اتخاذ شده است. ساختاری که مسؤولیت کیفری را کاهش داده و تأکید بر مسؤولیت مدنی در حل قضایای رسانه‌یی دارد.

واژه‌گان کلیدی: فعالیت رسانه‌ها، مسؤولیت کیفری و مدنی، روی کردهای حقوقی، ادله فقهی و

حقوقی توسعه مسؤولیت مدنی - رسانه‌یی.

* دانش‌جوی مقطع دکترای حقوق خصوصی، پردیس فارابی، دانش‌گاه/ پوهنتون تهران، ایران (نویسنده مسئول: abbas.hoseini1361@yahoo.com)

^۲ استاد تمام دانش‌گاه/ پوهنچی حقوق، پردیس فارابی، دانش‌گاه/ پوهنتون تهران، ایران (bariklou@ut.ac.ir)

^۳ دانش‌یار دانش‌گاه/ پوهنچی حقوق، پردیس فارابی، دانش‌گاه/ پوهنتون تهران، ایران (alizadeha@ut.ac.ir)

^۴ استادیار دانش‌گاه/ پوهنچی حقوق، پردیس فارابی، دانش‌گاه/ پوهنتون تهران، ایران (rajabya@ut.ac.ir)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License ثبت می‌باشد.

ISSN
P: 2788-4155
E: 2788-6441

Ghalib

Received: 13/ 12/ 2023
Accepted: 02/ 03/ 2024
Published: 20/ 03/ 2024

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.1.7> PP: 131 - 158

Requirements for the development of media civil responsibility in Afghan law

Authors: Sayed abbas hussaini^{*1} Pro.Alireza Bariklou (Ph.D)² ID
Abdulreza Alizadeh (Ph.D)³ ID
Abdullah Rajabi (Ph.D)⁴ ID

Abstract

In the contemporary era, people's lives have been accompanied by the increasing use of the media and its role in different layers of their lives. Few people can be found who do not deal with one type of media. The expansion of media activities may harm the rights of other people. In this case, the cause of the loss is considered responsible. In line with the protection of human rights, media-based criminal liability can be justified. On the other hand, the guarantee of criminal executions may cause serious damage to the freedom of expression and the freedom of the media. Therefore, the question is whether civil liability can be considered as an alternative to criminal liability in the field of media? The answer to this question seems important because Afghanistan's legal approach in this field is mostly criminal. Adopting a civil approach will be a valuable opening for media activists. The current research, which was carried out with a descriptive-analytical method. The findings of the research show that due to reasons such as the need to support freedom of expression, free flow of information, protection of the rights of parties to media disputes, the ability to replace financial compensation, the possibility Compensation by insurance and synchronizing with the practice of international organizations and other civilized countries, proper criminal policy is synchronizing with the new structure that has been adopted these days in the international arena and Islamic countries in the field of media. A structure that reduces criminal responsibility and emphasizes civil responsibility in solving media cases.

Keywords: Media Activity, Criminal and Civil Liability, Legal Approaches, Jurisprudential and Legal Arguments for the Development of Media-Civil Liability.

^{*1} Ph.D student of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author: abbas.hussaini1361@yahoo.com)

² Professor, Private Law Department, Farabi Faculties, Tehran University, Tehran, Iran (bariklou@ut.ac.ir)

³ Associate Professor, Private Law Department, Farabi Faculties, Tehran University, Tehran, Iran (alizadeha@ut.ac.ir)

⁴ Assistant Professor, Private Law Department, Farabi Faculties, Tehran University, Tehran, Iran (rajabya@ut.ac.ir)



۱. مقدمه

هرچند در علم حقوق، آثار برخاسته از فعالیت‌های رسانه‌یی در قالب مسؤولیت‌های کیفری و مدنی تنظیم می‌گردد؛ اما گرایش قانون‌گذار افغانستان نسبت به مسؤولیت رسانه‌یی تا حدودی کیفری و سخت‌گیرانه بوده‌است. تحولات کنونی و منسوخ‌شدن کُد جزا و رجعت به قانون جزای ۱۳۵۵، این روی‌کرد را تشدید کرده‌است. این درحالی‌است که در سایر کشورها، به‌ویژه از سال ۱۹۹۰م و بعد، روی‌کردهای کیفری در قبال مسؤولیت رسانه‌یی تغییر کرده‌است. روی‌کرد سازمان ملل، یونسکو و هم‌چنین شورای اروپا از مسؤولیت کیفری به مسؤولیت مدنی دیگرگون شده‌است، که دست‌آمد آن توسعه قلمرو مسؤولیت مدنی رسانه در مورد برخی جرایم رسانه‌یی، مانند افترا و توهین بوده‌است؛ با گسترش رسانه‌ها و افزایش پرونده‌های رسانه‌یی، مقنن می‌تواند با استفاده از روی‌کرد «توسعه مسؤولیت مدنی» و حرفه‌یی نمودن قواعد کار با رسانه، به رشد و تعالی آزادی بیان و توسعه رسانه جنبه عینی‌تری بخشیده و زندان‌ها را از فعالان رسانه‌یی خلوت‌تر نماید.

اکنون این پرسش مطرح‌است که با درنظرداشت ماهیت نظام حقوقی افغانستان و تحلیل قواعد عام حقوقی، آیا می‌توان مسؤولیت مدنی را بدیلی برای مسؤولیت جزایی درنظر گرفته و از ابزارها و ضمانت‌اجراهای مدنی، مانند جبران مالی زیان‌دیده، عذرخواهی، اخطار و ... که از حقوق متضرر دفاع می‌نماید و در عین‌حال از الزامات گسترش رسانه حمایت می‌نماید، به‌عنوان جای‌گزین ضمانت‌اجراهای کیفری استفاده نمود؟

تحقیق حاضر، که با روش توصیفی - تحلیلی انجام‌گردیده و اطلاعات آن به‌صورت کتابخانه‌یی گردآوری شده، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ چه این‌که گرایش نظام حقوقی افغانستان نسبت به مسؤولیت‌های رسانه‌یی، مانند توهین، افترا و غیره، کیفری‌است و ضمانت‌اجراهایی مانند حبس، شلاق و اقدامات تنبیهی در راستای حمایت از نظم عمومی و صیانت از حقوق زیان‌دیده‌گان، لحاظ شده‌است. این ضمانت‌اجراها، نقش انکارناپذیر رسانه‌ها و اصحاب آن را برای توسعه جامعه محدود خواهد کرد. بدین‌روی، جست‌وجوی پاسخ پرسش فوق و یافتن ضمانت‌اجراهای بدیل، مهم به نظر می‌رسد.

در این زمینه موضوع این پژوهش، کار عمده‌یی در افغانستان صورت نگرفته‌است. هرچند در منابع فارسی مواردی انجام شده‌است؛ مانند مقاله واهب لطفی با عنوان «الزام کیفری به نظام‌مندسازی مسؤولیت کیفری در رسانه‌های الکترونیکی»، که تأکید بر روی‌کرد کیفری مسؤولیت رسانه‌یی دارد (لطفی، ۱۳۹۸: ۴۱۲). شبیه این روی‌کرد در نوشته محمدرضا ویژه، با عنوان «مسؤولیت کیفری نویسنده و مدیر مسؤول در قلمرو جرایم مطبوعاتی» نیز دیده می‌شود (ویژه و تقی‌خانی، ۱۳۹۵: ۳۶). در حقوق افغانستان چنین کارهایی صورت نگرفته موضوع تحقیق از تازه‌گی

برخوردار است؛ نوشته حاضر، با طرح روی کرد نو، در نظر دارد گزینه‌های بدیلی در عرصه مسؤولیت رسانه‌یی بیان کند. نگارنده‌گان به دنبال ضمانت اجراهایی مدنی‌یی هستند که علاوه بر صیانت از نظم عمومی، حقوق و آزادی‌های کنش‌گران رسانه‌یی را محدود نسازد. این امر جنبه نوآوری تحقیق را نیز بازتاب می‌دهد.

۲. مفهوم رسانه

رسانه وسیله‌یی است که مطلب یا خبری را به اطلاع مردم می‌رساند (عمید، حسن، ۱۳۸۹: ۵۷۰)، که جنبه فراگیر دارد؛ نظیر روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون (Wehmeier, 2008: 787)؛ به عبارت جامع‌تر، رسانه مجموعه‌یی از ابزارها و روش‌ها برای ایجاد ارتباط با مخاطب است (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۴). در حقوق افغانستان ماده ۳ ق.ر.ه رسانه را وسیله انتقال پیام و معلومات می‌داند که دربرگیرنده رسانه‌های نوینی مانند شبکه‌های اینترنتی نیز می‌شود.^۵

۳. سیستم‌های حقوقی مسؤولیت رسانه‌یی

سیستم‌های حقوقی که فعالیت‌های رسانه‌یی را در قلمرو خود قرار می‌دهند حقوق کیفری و مدنی می‌باشد. در حقوق کیفری رسانه‌ها خود به عنوان ابزاری برای ارتکاب جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این راستا مسؤولیت جزایی مجازات‌هایی باهدف بازدارنده‌گی از جرم مانند: زندان، شلاق، حبس، مبالغ نقدی، توقیف رسانه، ابطال جواز و... مقرر کرده است (رزمان، ۱۳۹۷: ۱۵۶-۱۵۰). در مسؤولیت مدنی بر اثر خساراتی به وجود می‌آید جبران خسارت مالی، عذرخواهی، اخطار کتبی و... آن را مسؤولیت انگاری می‌کند. با توسعه رسانه‌های جدید شاهد تنوع پرونده‌های مدنی هستیم که مسؤولیت مدنی جبران‌های مانند عذرخواهی، درج پاسخ، انواع غرامات مالی و... را در نظر می‌گیرد. حوزه‌های حقوق کیفری و مدنی، مدت‌هاست بر هم تأثیر گذاشته، باعث انقباض و انبساط قلمرو یک‌دیگر گشته‌اند. به طور مثال، حقوق خصوصی در برخی از وضعیت‌های مسؤولیت مدنی، عدالت توزیعی را پی می‌گیرد که در واقع کارکرد حقوق عمومی است و در مقابل حقوق عمومی نیز عدالت معاوضی در قراردادها را تأمین می‌کند که مربوط به حقوق خصوصی است (طباطبائی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۶۹۸-۶۹۹). در قلمرو مسؤولیت رسانه‌ای، سازمان ملل و یونسکو به هم‌راه شورای اروپا در توصیه‌نامه‌های متعدد به کیفرزدایی جرایمی مانند افترا و توهین تأکید کرده‌اند (فقیه حبیبی،

^۵ ماده ۴ قانون رسانه‌های همه‌گانی: ۱. رسانه انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی می‌باشد:

- رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت.

- رسانه چاپی: روزنامه، جریده.

صفایی فر، ۱۳۹۳: ۹۱). افغانستان در سال‌های گذشته با تصویب قوانینی مانند قانون رسانه‌های همه‌گانی، قانون رسانه‌های خصوصی و کُد جزا در مواردی خواسته خود را با این جریان هم‌گام سازد. در واقع مبدأ این تغییر، ویژه‌گی انعطاف و سازگاری قواعد مسؤولیت مدنی با شرایط امروز دنیای رسانه است که باعث شده قلمرو مسؤولیت کیفری رسانه‌ای تا حدودی محدود گردد و در مقابل توسعه مسؤولیت مدنی رسانه‌ای را شاهد باشیم. در این راستا، کیفرزدائی از برخی فعالیت‌های رسانه‌یی با رسالت وجودی رسانه هم‌گام بوده و از اصل آزادی بیان، احسان و ترویج قول احسن حمایت می‌نماید. به همین دلیل دیدگاه توسعه مسؤولیت مدنی رسانه‌یی به عنوان روی‌کردی نوین مطرح می‌شود که قابلیت تدقیق و بررسی بیش‌تر را دارد.

۴. الزامات توسعه مسؤولیت مدنی رسانه‌یی

در ادامه، روی‌کرد مهم توسعه مسؤولیت مدنی رسانه‌یی را که الزامات فقهی، حقوقی و ضرورت‌های اجتماعی موبد آن است و در نتیجه باعث می‌گردد دیدگاهی کارآمد و نوین در حقوق افغانستان داشته باشیم، شرح می‌دهیم:

۴-۱. الزامات فقهی

با تفحص در فقه می‌توان قواعدی را یافت که مسؤولیت رسانه را به آن مرتبط دانست، این قواعد بیش‌تر دیدگاهی کیفری دارند. چنین روی‌کردی با توجه به این که رسانه و گسترش آن زائیده عصر جدید است، طبیعی است. با درنظرداشت شرایط کنونی رسانه در جوامع و نقش برجسته‌یی آن در پیش‌رفت و آموزش مردم لاجرم باید قلمرو مسؤولیت مدنی رسانه‌ای را قدری توسعه بخشید. در این ارتباط، علاوه بر آن با تمسک به فقه به قواعدی می‌توان برخورد که می‌تواند حوزه مسؤولیت مدنی را با توجه به مقتضیات و نیازهای امروزی که توسعه مسؤولیت مدنی را امری ممکن بداند من جمله قاعده‌ی مصلحت است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۴-۱-۱. قاعده مصلحت (تأثیر زمان و مکان در مسؤولیت‌انگاری)

ادله شرعی مصلحت‌موردی است که حاکم فقیه و متخصص عادل با توجه به شرایط زمان و مکان آن را کشف نموده و بر مبنای آن حکم می‌کند. در هر زمان با توجه به مصالح عمومی، چنین احکامی از کلیات متون فقهی استخراج می‌شوند (حیدری و هم‌کاران، ۱۳۹۶: ۹۴). مانند این‌که مجسمه‌سازی، شطرنج، خرید و فروش خون در گذشته جایز نبوده؛ ولی حال جایز گشته‌اند. در فقه، مصلحت، تأمین هدف شارع و هدف شارع در مواظبت از اسلام، جان، عقل، نسل و مال است که

عنوان کلی مصالح مرسله دارد. برای اولین بار این اصطلاح را امام غزالی استفاده نمود (قدیر و ساریخانی، ۱۳۹۰: ۷۳). «و مقصود الشرع من الخلق خمسة و هو ان يحفظ عليهم، دينهم و انفسهم و عقلمهم و نسلهم و مالهم، فكل ما يتضمن هذه الاصول الخمسة فهو مصلحة و كل ما يفوت بها مفسدة و دفعها مصلحة» (غزالی، ۱۱۱۹ه: ۲۸۷). در تعریفی مصالح مرسله را اوصافی می‌دانند که با تصرفات و اهداف شرعی هم‌آهنگی دارد ولی دلیل معین شرعی نسبت به اعتبار و عدم اعتبار آن نیست و ارتباط حکم با آن‌ها، موجب جلب مصلحت یا دفع مفسده از مردم است (زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۲۸۶).

با این تفاسیر، برخی از جلب مصلحت‌ها و دفع مفسده‌ها مستقلاً مورد نظر شارع نبوده و با توجه به شرایط زمانی و مکانی که به‌وجود می‌آیند، مورد حکم قرار می‌گیرند. این‌که، جبران ضرر با توجه به عامل زمان و مکان تغییر نمی‌کند ولی مفهوم ضرر، شرایط و نحوه جبران متحول می‌گردد؛ بی‌تردید متأثر از زمان و مکان است. در این راستا باید گفت، قواعد مسؤولیت مدنی به‌عنوان بخشی از احکام معاملات مستقلاً مورد تأسیس مقنن نبوده و با توجه به شرایط زمان قابلیت تغییر را دارند؛ مگر مواردی که آمارات قطعی تصریح به آن داشته باشد (پارساپور و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). در نتیجه این‌که مسؤولیت رسانه‌ای با توجه به شرایط کنونی مدنی یا کیفری محسوب شود، به‌عنوان مصداقی از موضوعات عرفیه است که بسته به شرایط مکانی و زمانی قابلیت تغییر را دارد. لذا با توجه به شرایط و جای‌گاه رسانه در دنیا، مصلحت این است که برخی از این جرایم را با توجه به گرایش اکثر کشورهای دنیا، مدنی محسوب نمائیم. ماده ۳۹ مجله الاحکام نیز موید این نکته است: نمی‌توان منکر تغییر احکام بر اثر تغییرات زمان شد.^۷

۴-۱-۲. مصداق‌های روی‌کرد عملی خلفای راشدین

در متون فقهی با برخی موارد روبه‌رو می‌شویم که اساساً اذعان به روی‌کرد مدنی خلفای راشدین در صدر اسلام در مواجهه با برخی مصداق کیفری است که در حقوق امروز با توجه به شرایط، تمسک به آن می‌تواند راه‌گشای برون‌رفت از تنگ‌نای گسترش قلمرو مسؤولیت کیفری رسانه باشد. در ادامه برخی از این موارد را بر می‌شمیریم:

۱. عکرمه بیان می‌کند که حضرت عمر (رضی الله عنه) هیبت فراوان داشته است؛ در موردی هنگامی که حجامت‌گر در حال حجامت وی بوده و در عین حال با ایشان صحبت می‌کردند؛ بناگاه حضرت عمر (رضی الله عنه) سرفه می‌کند و حجامت‌گر از ترس و ضویش بر اثر خوف و رجایی که بر وی مستولی

^۶ با وجود اعتقاد برخی بر انتساب عدم اعتقاد فقهای احناف بر مصالح مرسله، برخی بر این عقیده‌اند که علمای حنفی آن را معتبر می‌دانند (حکیم، ۱۴۱۸ق: ۱۷۸).

^۷ ماده ۳۹ لاینکر تغییر الاحکام بتبدل (بتغییر)الازمان

می شود باطل می گردد. حضرت عمر (رضی الله عنه) دستور به پرداخت چهل درهم در برابر خوفی که بر وی ایجاد شده است می دهد.

۲. از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است «در مورد مردی که شخصی دیگر را فاسق و یا خبیث معرفی می کند؛ جزای وی حد نیست و باید حاکم بر او تعزیراً جزا تعیین نماید».

۳. در قضیه‌ی حضرت عثمان (رضی الله عنه) که شخصی، شخص دیگر را لت و کوب کرده بود، بر خلاف قیاس مقتضی و جوب دیه در اتلاف منفعت، یا اتلاف عضو یا از بین رفتن جمال و زیبایی، فیصله به ثلث دیه نمود، در صورتی که در چنین قضیه‌ی هیچ‌یک از این عناصر موجود نبوده است (محمدی، ۱۳۹۸: ۷۲).^۸

۴-۲. ادله حقوقی

۴-۲-۱. حمایت از آزادی بیان (حقوق مخاطبان رسانه)

آزادی بیان به عنوان یکی از محوری‌ترین حقوق مخاطبین؛ گسترش فضای انتقادپذیری، پاسخ‌گویی و شفافیت را به دنبال داشته است (رعیت ابراهیم آبادی، ۱۳۹۹: ۲). در ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق بشر و ماده ۲ میثاق بین‌المللی سیاسی و حقوقی بندها، آزادی بیان و تمام مصادیق و مظاهر آن را یک حق بنیادین و غیرقابل سلب می‌داند که باید از آن دفاع شود (حبیبی، ۱۳۸۲: ۸۰). در حقوق انگلیس، برای حمایت از آزادی بیان، صرف می‌توان بر علیه رسانه‌های جمعی برای جبران‌های مدنی اقامه دعوا کرد. با این حال، در حقوق کشورهایمانند کویت - افغانستان، می‌توان از رسانه‌ها برای هر دو مسؤولیت کیفری و مدنی به محکمه رفت (alhajri, 2014: 18). در واقع در جهت صیانت از آزادی بیان شایسته نیست رویکرد انتقام‌جویی را با اعمال مجازات‌های کیفری گسترش و توسعه داد، در صورتی که با حاکم‌نمودن قواعد مسؤولیت مدنی می‌توان تغییر رفتار اصحاب رسانه را با بازدارنده‌گی که در بطن قواعد مدنی است برانگیخت (امیر حسینی و برزویی، ۱۳۹۵: ۴۳).

۴-۲-۲. حمایت از گردش آزاد اطلاعات

دولت‌ها در جهت حفظ منافع عامه و آگاهی‌دهی مردم باید رسانه‌های آزاد را حمایت نمایند. در غیر این صورت، فقط اطلاعات سانسور شده توسط برخی رسانه‌های خاص به جامعه تزریق خواهد شد (رعیت ابراهیم آبادی، ۱۳۹۹: ۹). در واقع باید پذیرفت، برخی تخلفات رسانه‌ای مانند توهین، هتک حرمت، افتراء، نقض حقوق مالکیت فکری و معنوی، و... به سمت جهانی‌شدن پیش رفته‌اند. رویکرد

^۸ .رک به از عبدالسمیع اسامه السید، التعویض عن الضرر المعنوی، ص ۱۶۸، احمد بن الحسین البیهقی، سنن البیهقی، ج ۸، ص ۲۳۵، ناصر جمیل الشماله، الضرر الادبی و انتقال الحق فی التعویض عنه، (رساله دکتری)، ص ۶۵

جهانی در این راستا، باعث شده ماهیت برخی از جرایم و ضمانت اجراها مدنی گردد تا مشوق و حمایتی برای فعالیت رسانه‌ها باشد. بنابر نظر برخی حقوق‌دانان، برخورد حداقلی و محافظه‌کارانه می‌طلبد جرایمی مانند توهین و هتک حرمت فقط زمانی که به وسیله رسانه‌هایی کلان و همه‌گانی مانند مطبوعات و تلویزیون و... مطرح شود با روی‌کرد جزایی مواجه گردد (ساریخانی، ۱۳۸۹: ۲۴۴)، و در سایر رسانه‌ها مانند شبکه‌های اجتماعی با جبران‌های مدنی به‌ترین روی‌کرد را اعمال نماییم. هرچند که دیدگاه جهانی توسعه مسؤولیت مدنی شامل تمام رسانه‌های خرد و کلان می‌شود.

۴-۲-۳. حمایت از حقوق طرفین دعوی رسانه‌یی

در گذشته، تلقی بیش‌تر حاکمان بر این بوده است که عامل اصلی بحران‌های جامعه، دست‌اندرکاران رسانه و فعالین آن می‌باشند؛ لذا در عرصه‌یی تقنین بیش‌تر تمایل به تحکیم و مجازات مسؤولین و عاملین رسانه‌ای را داشته‌اند (روشن و خلیل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۱). توسعه‌ی انواع رسانه در این جوامع نیز پیامدی نداشت مگر غلبه مسؤولیت کیفری بر مدنی (صفایی و هم‌کاران، ۱۳۹۳: ۶۸ - ۶۷). در دادرسی‌های کنونی افغانستان با توجه به غلبه روی‌کرد کیفری خواننده بیش‌ترین آسیب را می‌بیند. در صورتی که می‌توان با جای‌گزین کردن مجازات‌های کیفری با مواردی مانند جرایم نقدی متناسب، تنزل رتبه شغلی، توبیخ کتبی، تعلیق از شغل و حتی ابطال کارت رسانه‌ای سعی بر هم‌وار نمودن این مسیر سخت داشت (غفاری، ۱۳۹۳: ۸۹). با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، حبس تنها باید بر خواننده تحمیل شود و آثار آن نیز صرف متوجه وی گردد، ولی متأسفانه آثار زیان‌بار مالی، معنوی، فکری و روحی و عاطفی آن هم متوجه شخص و هم خانواده‌اش خواهد بود. در نتیجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها به جهاتی خدشه وارد می‌آید (مرادی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). باید اذعان نمود با روی‌کرد نوین کشورها به جرایم رسانه‌ای مانند توهین و افترا، به استثنای جرایمی مانند اقدام علیه امنیت عمومی، افشای اسرار نظامی و سیاست خارجی، جاسوسی و توهین به مقدسات که ارتباط مستقیم با نظم عمومی دارد، با قدری تسامح و تساهل می‌توان تنها جنبه خصوصی به آن داد و با گذشت خواهان و یا جبران ضرر و زیان، سایر مجازات‌های کیفری را در نظر نگرفت و به‌نوعی از فعالیت رسانه‌ها و فعالین آن صیانت نمود. این مهم باعث تحقق اهداف قانون؛ نظم عمومی و رعایت حقوق فردی است که با جنبه عمومی جرم یعنی صیانت از نظم عمومی نیز سازگار بوده و بیش‌ترین حمایت را از حقوق طرفین دعوا می‌نماید (دهباشی؛ فنائی، ۱۳۹۷: ۶).

۴-۲-۴. انعطاف قواعد مسؤولیت مدنی و جلوگیری از اطاله رسیده‌گی

یکی دیگر از دلایل توسعه مسؤولیت مدنی رسانه، اطاله دادرسی‌های کیفری است که بدون آن، رسیده‌گی به جرم ممکن نخواهد بود. چنین روی‌کردی با توجه به ماهیت برخی پرونده‌های جزایی

معمولاً به مشکل نمی‌خورد (احمدی و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۳۰). اما در ارتباط با دعاوی جزایی رسانه‌ای، استاندارد فوق، قادر به کنترل مخاطرات - اجتماعی، اقتصادی و حیثیتی برای اصحاب رسانه نیست، در مقابل رسیده‌گی‌های مدنی این نواقص را کم‌تر دارند (بادینی و عباسی، ۱۳۹۶: ۵۴). لذا با مدنی محسوب کردن برخی جرایم از این ویژه‌گی بهره‌مند می‌شویم. برای جلوگیری از اطاله دادرسی در دنیا مراجع قضایی غیردولتی در قالب شورای رسانه و یا مطبوعات ایجاد شده است که در افغانستان این نهاد یعنی (کمیسون بررسی شکایات و تخلفات رسانه‌ها) از کثرت پرونده‌ها و اطاله دادرسی جلوگیری می‌کند. در این شورا رسیده‌گی‌های اولیه و تفکیک پرونده‌ها و ارجاع برخی از آن‌ها به مراجع دیگر انجام می‌شود. این نوع رسیده‌گی هزینه کم‌تری را در برداشته و صلاحیت اعمال جبران‌های مدنی مانند نشر عذرخواهی، پاسخ‌دهی، بیانیه و تقبیح عمل رسانه یا فعال رسانه‌ای را دارد. در کشور ما نیز تا همین اواخر سیستم فوق اعمال می‌گردیده است. انتظار می‌رود با توجه به سرعت و کارآمدی آن در رسیده‌گی، این نهاد با همان روش برای حل مرافعات ادامه دهد.

۴-۲-۵. قابلیت جای‌گزینی غرامت‌های مالی

در رابطه با خسارات و جرایم رسانه‌ای یکی از مواردی که می‌تواند به‌عنوان بدیل و جای‌گزین مجازات‌های جزایی باشد، غرامات است که در عرصه بین‌الملل، خصوصاً در کشورهای کامن لا رایج است. غراماتی مانند غرامت اسمی (نمادینه)^۹، غرامت نکوهش‌گر^{۱۰}، غرامت تشدید یافته^{۱۱} و غرامت تنبیهی^{۱۲} است که در ادامه از جهت نمونه به مهم‌ترین آن یعنی غرامت تنبیهی پرداخته خواهد شد. خسارات تنبیهی در مواقعی اخذ می‌گردد که زیان وارده بر خواهان توأم با یک رفتار سرزنش‌آمیز بوده و در عین حال عمل خوانده همراه با فریب، توهین، تحقیر و رفتار ظالمانه باشد. به جهت این‌که برای صدور غرامت تنبیهی نیاز به درخواست خواهان است تا این خسارت به وی تأدیه شود و از طرف دیگر این نهاد به دنبال تحقق اهداف حقوق کیفری است، ناگزیر باید به آن ماهیتی دوگانه و شبه کیفری داد (ابک، ۱۳۹۳: ۱۴۲). با این غرامت، اهدافی از قبیل جبران ضرر، تنبیه زیان دیده، بازدارنده‌گی و حفظ نظم دنبال می‌شود. هرچند در افغانستان خسارت تنبیهی اخذ نمی‌شود، ولی از طریق اعمال مجازات‌هایی سخت مانند حبس تعزیری و حتی مجازات نقدی، اهداف تنبیهی خسارت دنبال می‌شود (میرزایی‌گرمی و هم‌کاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). در کشورهای کامن لا مانند امریکا، کارکرد جبرانی مسؤولیت مدنی در قالب خسارت تنبیهی دنبال می‌شود. در همین اواخر در پرونده دو بازیگر

⁹. Nominal Damages

¹⁰. Contemptuous Damages

¹¹. Aggravated Damages

¹². punitive damages

معروف هالیوود، جانی دپ و امبر هرد چنین خساراتی مورد حکم قرار گرفت (<http://www.bbc.com>world-us-canada-61668781>). اتحادیه اروپا^{۱۳} نیز این غرامت را در پیش‌نویس اصول، تعاریف و قواعد نمونه حقوق خصوصی جای داده است. در حقوق کشورهای کامن لا خسارت اقتصادی محض^{۱۴} و در کشورهای اسلامی عدم النفع^{۱۵} می‌تواند در این مبحث قرار گیرد (طباطبائی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۷۷). در نهایت خسارت تنبیهی، بیش‌تر در آن دسته از دعاوی مدنی رسانه‌ای می‌تواند استفاده شود که خواننده با سوءنیت، قصد و نقشه قبلی، قصور سنگین و یا محاسبه سود و زیان احتمالی از ارتکاب آن منتفع شده است (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۳۳). حقوق کشورهای اسلامی چندان با مفهوم خسارت تنبیهی بی‌گانه نیست، همان‌گونه که در نظام حقوقی ما نیز شرط خسارت تنبیهی به دلیل صحیح‌بودن در قرارداد می‌تواند درج شود و در نهایت محاکم حکم به پرداخت آن می‌نمایند (لطفی‌دوران و هم‌کاران، ۱۳۹۸: ۳۶۳). از جهتی با بررسی نهادهای حقوقی مانند دیه، وجه التزام، جریمه اجبار، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت معنوی که البته افتراقاتی با خسارت تنبیهی دارد؛ ولی از آن لحاظ که مسیری برای قبول این خسارت، توسعه مسؤولیت مدنی و جای‌گزینی برخی مجازات‌های کیفری هم‌وار می‌گردد، به دلیل این‌که اگر تنها مانع تأسیس خسارت تنبیهی ماهیت خاص و پیچیده آن باشد، این نهادهای داخلی نشانه‌ای است که چنین موضوعی نمی‌تواند مانع در نظر گرفته شود (قوی‌البینه، ۱۳۹۳: ۹۶). در نهایت باید گفت چه اشکالی دارد که خسارت تنبیهی را با اصلاح برخی معایب آن به منظور تنبیه خواننده‌یی که مرتکب عمل بسیار زننده رسانه‌ای شده است اخذ کرد تا در آینده از تکرار عمل مشابه آن جلوگیری گردد (عبداللهی، ۱۳۳۸: ۱۰۰).

۴-۲-۶. قابلیت جبران خسارات توسط بیمه مسؤولیت مدنی - رسانه‌یی

با توجه به تحولات اخیر در قلمرو بیمه به‌عنوان نهادی که جای‌گزین بیمه‌گذار در تأدیه خسارات می‌شود، باعث شده در عرصه رسانه نیز بیمه به‌عنوان پوشش‌دهنده خسارات عمل نماید. بیمه مسؤولیت مدنی رسانه‌های همه‌گانی از نوع بیمه شخص ثالث بوده که هدف آن جبران خسارات مالی و جانی احتمالی وارده به اشخاص ثالث است. اکثر خسارات رسانه‌ای معنوی است که با تکیه بر بیمه می‌توان مشکلاتی مانند معیارهای سنجش این خسارات، محاسبه میزان خسارت واقعی و نه ادعایی و... را برطرف نمود و موانع و سختی‌های جبران خطاهایی مانند نقض حریم خصوصی، هتک حرمت، انتشار غیرمجاز محاکمات قضایی، تبلیغات گمراه‌کننده و نقض مالکیت فکری و علائم تجاری و

¹³ . Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law Common Frame of Reference (DCFR) 2008

¹⁴ . pure economic loss

¹⁵ . loss of profit

برخی جرایم رسانه‌ای را که در سایر کشورها مدنی شده است، از بین برد (غفاری؛ زمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۰). از آنجایی که امکان بیمه مسؤولیت مدنی به جهت جبران خسارت مالی و پولی وجود دارد، در مسؤولیت کیفری غیر عمدی نیز، تنها برای بخش‌هایی از آن که جنبه خصوصی (ضرر و زیان) دارد، قابلیت بیمه شدن وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۰). مطالب فوق موید این نکته است که با بیمه کردن مسؤولیت رسانه‌یی می‌توان حیطة مسؤولیت مدنی رسانه را تقویت و توسعه بخشید. در این مواقع جوامع می‌توانند از بیمه برای تأمین خسارت و جلوگیری از طولانی شدن رسیده‌گی و فرایند ملال‌آور محاکم در صورت میسر بودن خواننده، استفاده نمایند (دهباشی؛ فنائی، ۱۳۹۷: ۸).

۴-۲-۷. الزام به هم‌گام شدن با روی‌کرد نظام جهانی و کشورهای پیش‌گام

نظام جهانی در مورد موضوعات و مسؤولیت‌های رسانه‌یی تجربه‌ی را پشت سر گذرانده است که لاجرم حرکت حقوق ما نیز با گذر زمان به همان سو خواهد بود. لذا به‌جاست برای احراز از تجربه، تکرار و مواجهه آن‌چه که بر کشورهای دیگر گذشته است از دست‌آورد عظیم آنان به نحو احسن استفاده نماییم و اقدامات مثبتی که در امر تقنین و رسیده‌گی‌های قضایی و کم‌کردن آثار سوء مجازات‌های سنگین کیفری برداشته‌اند، به‌عنوان رهنمودی رایگان به آن بنگریم. تلفات به تجربه سایر کشورها در واقع تحقق و رنگ عینیت بخشیدن به اهداف مسؤولیت مدنی است. در ادامه روی‌کرد نهادهای بین‌المللی را به همراه دیدگاه برخی کشورهای پیش‌گام اجمالاً بررسی می‌نماییم:

در این سال‌ها، در مسؤولیت رسانه‌ای کشورهای پیش‌گام از طریق ابزارهای تنظیمی صیانت از نظم عمومی، اخلاق حسنه و حقوق و آزادی‌های عمومی دست به تدوین قوانین زدند و در مراحل بعد قوانین بین‌المللی را ایجاد نموده و به آن ملحق شدند. بر همین مبنا مجمع پارلمانی اروپا در قطعنامه شماره ۱۵۷۷ مصوب ۴ اکتبر ۲۰۰۷ خویش تحت عنوان به‌سوی غیرجزایی‌سازی افترا با یادآوری توصیه‌نامه شماره ۱۵۸۹ تصویب شده سال ۲۰۰۳ این نهاد، در خصوص آزادی بیان در رسانه‌های اروپا و قطعنامه شماره ۱۵۳۵ مصوب ۲۰۰۷ مجمع مذکور در مورد تهدیدها علیه زنده‌گی و آزادی بیان روزنامه نگاران، تأکید نموده است (اسدی و هم‌کاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۷). در این رابطه، کشورهایی مانند افغانستان می‌توانند از این منابع بین‌المللی که در بسیاری از موارد تعارضی با شریعت و اصول قانون اساسی ندارد استفاده کرده و با روی‌کردی منطقی با مسؤولیت‌های رسانه‌ای روبه‌رو شد.

در کشورهای پیش‌گام سال‌هاست که روی‌کرد مسؤولیت رسانه تغییر کرده است. پیش‌گامان این عرصه کشورهای می‌باشند که رسانه‌ها جزئی جداناپذیر از زنده‌گی آنان محسوب می‌شود. انگلستان از آن دسته ملت‌هایی است که در گذشته، بسیاری از اعمال زیان‌بار مانند هتک حرمت، افترا، افشای

اسرار و اشاعه اکاذیب را جرم می‌دانست. با این حال به مرور زمان تعقیب کیفری آن‌ها متروک مانده و امروزه تنها به‌عنوان اسباب مسؤولیت مدنی به حساب می‌آیند (Roberts and GL Nicol, 1982: 77). برخی کشورهای اسلامی عربی مانند عمان نیز از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ تحولات چشم‌گیری را در قوانین خویش با توسعه مسؤولیت مدنی رسانه انجام داده‌اند و جرایمی مانند افتراء، توهین و هتک حرمت را حتی نسبت به شخص پادشاه نسخ نموده و در مقابل مجازات‌های سنگین مالی تا سقف یک میلیون دلار را جای‌گزین نموده‌اند (رعیت ابراهیم آبادی، ۱۳۹۹: ۹). غرامت و جبران‌های مدنی گاه مبالغ بسیاری را در بر می‌گیرد. در سال ۱۹۹۷م. هیئت منصفه هیوستون روزنامه‌وال استریت ژورنال را به پرداخت ۲۲۲٫۷ میلیون دلار برای حق‌العمل سرمایه‌گذاری که مدتی کوتاه پس از انتشار گزارشی در وال استریت ژورنال درباره مشکلات منتسب به شرکت از حرفه‌اش بیرون‌رفت، محکوم کرد. گرچه قضاات ۲۰۰ میلیون دلار از جرم را حذف کردند و در نهایت باقی‌رای را نیز کنار گذاشتند؛ اما به هر حال بیش‌ترین مبلغی است که تا به حال حکم شده است (بلماز و اوربک، ۱۳۹۶: ۱۴۶). در فرانسه نیز میزان خسارات به تشخیص قضاات ماهوی بسیار متغیر است و از ۳۰۰۰ پوند تا ۳۰۰۰۰ پوند است. در اسپانیا یک روزنامه مصور به‌خاطر انتشار یک تصویر اهانت‌آمیز از یک تاجر مشهور در ساحل دریا ۲۰۰ پوند جریمه شد (انصاری، ۱۳۹۱: ۹۵). در انگلستان شخصی برای پست‌های وبلاگش که دیگری را به فساد متهم کرده بود و هیچ مدرکی دال بر آن نداشت به‌خاطر افتراءیش ناگزیر شد که ۲۵۰۰۰ پوند خسارت معنوی پرداخت نماید (Dulčić, 2014: 119).^{۱۶} موارد فوق مشخص می‌کند که جرایمی که در سایر کشورها ایجاد شده است، بیش‌تر به سمت مالی و مادی کردن جبران خسارات معنوی است. این امر به این دلیل است که جبران‌های اقتصادی، هم جنبه بازدارنده‌گی و تنبیهی داشته و هم از اطاله دادرسی جلوگیری می‌نمایند و در نهایت، بیش‌ترین حمایت را از جمیع منافع متضرر رسانه‌ای می‌نمایند. به همین دلیل است که جبران‌های مالی خسارات معنوی بیش‌ترین گسترش را در عرصه بین‌الملل داشته‌اند. با این حال در نظام حقوقی افغانستان هنوز رویکرد عملی جدی نسبت به جبران خسارات معنوی وجود ندارد تا بتوانیم یک رویه واحد را در نظام حقوقی خود شاهد باشیم. هرچند در این خصوص دست‌آویزهای فقهی - حقوقی بسیاری در متون و منابع فقهی - اسلامی ما موجود است (م ۵۳ مجله و م ۷۷۸ ق.م موید این امر است).^{۱۷}

^{۱۶} . Thompson v. James, [201 4] EWCA Civ 600.

^{۱۷} . ماده ۵۳ مجله: وقتی اصل باطل شد، به بدل آن رجوع می‌شود.

هم‌چنین ماده ۷۷۸ ق.م چنین مقرر می‌دارد: ۱- خسارت معنوی شامل سنجش ضرر معنوی نیز می‌باشد.

۵. ادله متفرقه

از اقتضائات جامعه دموکراتیک، آزادی فردی (حق خود اظهاری) و تحفظ و حمایت از اظهارات عامه است. در جوامع دموکرات مردم حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^{۱۸} دارند و مفاهیمی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، نماینده‌گی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و... را شامل می‌شود (رزمی و هم‌کاران، ۱۳۹۴: ۵۶). در یکی از آرای محاکم آمریکا آمده است: «شخصی که می‌پذیرد تا در مناصب اجرایی، تقنینی و یا قضایی برای مردم کار کند باید آگاه باشد که اعمال رسمی وی مورد انتقاد، شرح و تفسیر واقع می‌شود، محاکم نمی‌توانند با استناد به قواعد هتک حرمت، مانع از این انتقادهای در مورد مقامات عمومی شوند (قاعده اقدام) (peter Nkrumah Amponsah, Op.cit, p.126). بنابراین قوانینی که فعالیت روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه را تنظیم می‌نمایند باید به نحوی باشند که هم کرامت انسانی مخاطبین را حفظ نمایند و هم از تجاوز فعالین رسانه‌ای جلوگیری نمایند (اسدی، و هم‌کاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

فرایند جهانی‌شدن در عصر ما باعث نزدیک‌شدن جوامع در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی شده است. بر اثر این حوزه‌های مشترک، مسؤولیت رسانه‌ای نیز دچار استحاله شده است و باعث یک‌سان‌سازی قواعد آن گردیده است. مجموعه‌هایی مانند اتحادیه اروپا ضرورتاً از قواعد حقوقی مشترک در تدوین قوانین بین‌المللی استفاده می‌نمایند (طباطبائی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۸۳) در نهایت، در قطع‌نامه شماره ۱۵۷۷ مصوب ۴ اکتبر ۲۰۰۷م اتحادیه اروپا با عنوان غیر جزائی‌سازی افترا بیان می‌کند: مجازات زندان برای افترا سریعاً لغو شود و تعقیب‌های جزائی افراطی در این زمینه صورت نپذیرد و به‌جای آن مبالغ خسارت و غرامت منطقی و متناسب اخذ شود (رضایی و بابازاده مقدم، ۱۳۹۳: ۷۸-۷۹).

۶. مهم‌ترین مصادیق قابل توسعه مسؤولیت مدنی - رسانه‌یی

در ادامه به مهم‌ترین مصادیق مسؤولیت‌های رسانه‌ای که در عرصه بین‌الملل به سمت مسؤولیت مدنی پیش رفته است و نیاز مبرم است که در حقوق ما نیز چنین روی‌کردی باشد، اشاره می‌کنیم:

۶-۱. توهین

توهین یکی از مصادیق و زیر مجموعه‌های هتک حرمت است که در نظام حقوقی افغانستان جای‌گاهی خاص پیدا نموده است. توهین مجموعه واژه‌ها و تعابیری است که با هدف کسر شأن،

¹⁸.voice and accountability

شخصیت و کرامت شخص به کار رفته و هدفی جز پایین آوردن منزلت و شأن وی ندارد (ابراهیمیان و صدیقی، ۱۳۹۸: ۲۴۸). در قانون جزای افغانستان در م ۴۴۱ توهین را: «نسبت دادن چیزی به شخصی، حتی بدون مأخذ به یک واقعه معین، که در نتیجه آن عزت و شهرت آن شخص جریحه‌دار گردد» بیان نموده است.

۶-۱-۱. ضمانت اجراهای حقوقی

توهین نیز مانند سایر اعمال حقوقی دیگر در حقوق برای آن ضمانت‌اجراهایی در نظر گرفته‌اند تا از حیثیت انسان‌ها صیانت به عمل آورد و از تکرار چنین اعمالی در آینده پیش‌گیری کند؛ به جهت این که توهین از موضوعات جزایی است مطابق قانون جزا باید در فقه مجازات آن را جست‌وجو کرد، اکثر فقه‌های حنفی قائل به این می‌باشند در صورتی که قذف و یا سب النبى نباشد تعزیر را باید در نظر گرفت، «اگر کسی به دیگری به هجو و یا تعریض و یا به صراحت دشنام دهد و او را با نام حیوان و یا بدکاره بخواند موجب وهن وی شده و اگر قذف یا سب پیامبر نکرده باشد مستحق تعزیر است». نسفی نیز در مدرک‌التنزیل نیز قائل به تعزیر است (خطیب شربینی، بی‌تا: ۲۵۸ نسفی، ۱۴۱۳ ق: ۳۹۴). در حقوق مدنی افغانستان که جبران‌ها در آن مقرر شده‌است مانند سایر مسؤولیت‌های حقوقی که بحث جبران‌ها را به دنبال دارد. در صورتی که از ناحیه‌ی اشخاص و رسانه‌ای که در خدمت‌شان است به دیگران آسیب و خسارتی وارد آید، جبران نیز بر عهده‌ی آنان خواهد بود. (م ۷۷۷ ق. م)^{۱۹} جبران‌هایی مانند اصلاح خبر، معذرت‌خواهی و دیگر ضمانت‌اجراهای مدنی قابلیت استفاده را دارد. از آنجایی که در حقوق افغانستان توهین بیش‌تر صبغه و روی کرد کیفری دارد و در قانون جزا و کد منسوخ شده جزایی به صورت مبسوط به آن پرداخته شده؛ می‌توان موارد زیر را به‌عنوان روی کرد کیفری حقوق افغانستان که جرم‌انگاری شده است بیان نمود:

الف. توهین ساده

توهینی است که به دلیل شدت و درجه‌ی کم آن مجازات شدید برای آن در نظر گرفته نمی‌شود مانند توهین به اشخاص که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

توهین به اشخاص: توهین به اشخاص، هر عمل یا کلامی را شامل می‌شود که موجب خوار و خفیف کردن آنان گردد که در نتیجه باعث کسر شأن می‌شود. توهین می‌تواند به شکل گفتار، کردار، نوشتار و یا حتی اشاره‌ی سر، دست و چشم باشد. می‌توان موارد فوق را با رسانه نیز منعکس نمود که به

^{۱۹} «هر نوع تعدی ایکه از آن ضروری بغیر از اضرار مندرج مواد فوق به شخص دیگری عاید گردد، مرکب بجبران خساره مکلف می‌باشد».

جهت فراگیربودن رسانه درجه و شدت توهین شدیدتر محسوب می‌شود. این نوع توهین می‌تواند به صورت ساده و یا مشدد باشد. در توهین ساده چون شخص توهین شده زنده است، قابل گذشت است. هر چند در مورد متوفی نیز چنانچه توهین به بازمانده‌گان وی برسد قابلیت تعقیب و یا گذشت را دارد. با این حال، در صورتی که توهین به شخصیت‌های برجسته مانند رهبران مذاهب و یا پیامبران و انبیاء الهی صورت پذیرد؛ با توجه به جایگاه معنوی که در بین جوامع و مردم دارند احساسات عمومی را جریحه‌دار نموده و مشدد محسوب خواهد شد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۸۰) در این مواقع، با توجه به نوع خسارت و آسیب وارد شده، درجات جبران متفاوتی را برای متضررین می‌توان در نظر گرفت.

ماده ۲۴۶ ق. ج در رابطه با توهین با فعل مثبت بیان می‌کند: «یک شخصی که توسط یکی از وسیله‌های عامه شورای عالی، پارلمان، حکومت، قوای نظامی، محاکم یا دیگر دوایر دولتی را توهین کند، باید محکوم به حبس کوتاه‌مدت که کم‌تر از سه ماه نباشد، شود و جریمه نقدی که کم‌تر از سه هزار و اضافه‌تر از دوازده هزار افغانی نباشد، شود و یا یکی از این دو مجازات برایش داده شود». نکته‌یی که در این ماده مهم است این است که در برنامه‌هایی که برای نقد و تحلیل در تلویزیون‌های دولتی و خصوصی رواج دارد؛ به‌طور معمول با توجه به واقعه و رویدادی که جنگی احتمالی و توان نظامی آنان را با دشمنی احتمالی تحلیل می‌کند، در صورتی که توان نظامی کشور زیر سوال برده شود آیا باید این امر را که بر اساس آمارهای واقعی انجام می‌شود هم‌چنان توهین محسوب نمود؟ در این رابطه باید مطابق بند ۱ ماده ۶ قانون رسانه‌های همه‌گانی عمل نمود و: «ژورنالیستان در اجرای فعالیت‌های مسلکی مربوط به گزارش‌ها و نظریات انتقادی مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند». لذا در دوره فعلی نباید مانند گذشته مردم را منفعل در نظر گرفت که تحلیل‌هایی به دور از واقعیت بیان می‌کردند و در صورت بیان واقعیت وی را خائن و در کم‌ترین حالت آن توهین‌کننده به آرمان‌ها و توان نظامی کشور معرفی نمایند. هر چند در واقعیت در این مورد مقایسه توان نظامی دو نیروی نظامی را در عمل توهین و اهانت به نظام و تضعیف نیروهای خودی تفسیر نموده و حتی ممکن است متهم خیانت به وطن شده و شدیدترین مجازات‌ها انتظار منتقد را بکشد. در این هنگام م ۴۴۲ ق. ج مقرر می‌کند: «...اگر توهین توسط یکی از وسیله‌های عامه صورت گیرد، متخلف باید محکوم به حبس کوتاه‌مدت که کم‌تر از سه ماه و یا جریمه نقدی که کم‌تر از سه هزار و بیش‌تر از دوازده هزار افغانی نباشد، شود».

روی کرد کیفری در قانون جزای ۱۳۵۵ ه. ش که مجدد نافذ شده است؛ در مواد ۱۴۲ - ۱۴۳ -

۴۴۲ - ۴۴۳ مجازات حبس است:

۱. شخصی که دیگری را از طریق وسایل علنی توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از ده‌هزار تا سی‌هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

۲. شخصی که دیگری را توسط تلفون یا ایمیل یا فکس یا وسایل الکترونیکی یا ارسال مکتوب یا توسط شخص دیگری توهین یا دشنام دهد، به جزای نقدی از پنج‌هزار تا بیست‌هزار افغانی، محکوم می‌گردد. ولی در کُد جزا به‌طور کلی روی کرد تلاش برای حذف زندان‌ها و جای‌گزین کردن جرایم نقدی بوده است تا گامی در جهت هم‌گام‌سازی با دیدگاه جهانی بردارد.

ب. توهین مشدد

توهین برخی مواقع به اعتبار شرایطی، شدیدتر محسوب شده و ضمانت اجرایی که برای آن در نظر می‌گیرند، تشدید می‌یابد. در کشورهای اسلامی خصوصاً افغانستان مواردی مانند توهین علیه مقدسات و شعائر دینی و اسلامی، انبیاء الهی و بزرگان دینی، مقام رهبری و مقامات سیاسی شامل این موارد است. به جهت این که این حوزه دارای حرمت خاص می‌باشد؛ برای کسانی که این بخش را نقض می‌نمایند؛ برخورد شدیدتری شامل حال‌شان خواهد شد. از قبیل:

۱. **توهین به ادیان و مذاهب اسلامی:** گاهی اوقات، رسانه‌ها عناوینی دارند که فرهنگ و مقدساتی را که از دین، مذهب، آداب و رسوم مردم نشأت می‌گیرد و قرن‌ها برای آنان محترم بوده است، مورد توهین قرار می‌دهند. فرض مثال، در روزنامه‌ها مطالبی غیردینی نشر می‌شود و یا این که توسط برخی کشورها فیلم‌هایی ساخته می‌شود که رؤس و رهبران ادیان را به بهانه آزادی بیان مورد توهین قرار می‌دهند. مانند فیلم **فتنه**^{۲۰} که در آن اسلام را دشمن آزادی و خشونت‌طلبی و مسلمانان را نیز تروریست و وحشی معرفی می‌نماید و قرآن را با کتاب (نبرد من) آدولف هیتلر مقایسه و آن را منشاء الهام‌گیری برای حملات تروریستی معرفی می‌نماید. مطالب این چنینی، همه بیان‌گر این مطلب‌اند که باورهای جمعی را نمی‌توان بر مبنای آزادی بیان زیر سوال برد. خصوصاً اعتقادات ریشه‌داری که سالیان سال در بین مردم رواج داشته و پیروان کثیری را در اطراف خود جمع نموده است.

کسانی که مقدسات ادیان را مورد هتک حرمت قرار می‌دهند، برنامه‌هایی از این دست را با هدف «حساسیت‌شکنی»، «تقدس‌زدایی» همراه با «امکان‌سنجی اهانت‌های بیش‌تر» و «جلوگیری از نفوذ و گسترش بیش‌تر ادیان» انجام می‌دهند. این گونه، برنامه‌ها سابقه دیرینه در تاریخ طولانی بشر دارند. به‌عنوان مثال انتشار فیلم آمریکایی توهین‌آمیز به ساحت حضرت محمد (ص) اتفاق تلخی بود که واکنش‌های بسیاری را در سطح جهان اسلام و نیز مسیحیت به‌دنبال داشت. حتی در فیلم (وسوسه‌های مسیح) و یا (مصائب مسیح) چهره‌ی پیامبران الهی را مخدوش نشان داده‌اند.

²⁰. fitna

قانون جزایی ما در مواد گوناگونی این گونه توهین‌ها را جرم‌نگاری نموده است و برای آن مجازاتی در نظر گرفته است موادی مانند ۱۱۸، ۱۴۶، ۱۴۸ از این قبیل‌اند. برای نمونه در ماده ۲۴۱ ق. آمده است: «شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، ملت افغان، بیرق و یا نشان دولت افغانستان را توهین نماید، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد». با توجه به این که، این قانون در دوره کمونیست‌های افغانستان تدوین یافته است، توهین به مقدسات بیان نشده است. ولی در ادامه در کد جزای سال منسوخ شده، که در سال‌های بعد تصویب شد در بند ۱ ماده ۳۲۵ آن آمده بود: «شخصی که معتقدات یا احکام دین مقدس اسلام را توهین یا تحریف نماید، به حبس متوسط محکوم می‌گردد». نکته برجسته این قانون روی کرد حبس‌زدایی از جرایمی است که به‌طور قطع بخش اعظم آن را جرایم رسانه‌ای دربر می‌گیرد. باید توجه داشت، در خصوص توهین به ادیان و مذاهب هر بیانی را نباید توهین محسوب نمود. چیزی که در حقوق ما مسکوت باقی مانده، تحقیقات علمی است که بر مبنای متون علمی انجام می‌شود و ممکن است با توجه به متون علمی اصالت واقعه یا حادثه‌ی را زیر سوال برده و یا جزئیات آن را آن گونه که ترسیم شده‌است نداند. در این زمینه بیان دیدگاه‌های علمی را نباید توهین و استهزاء در نظر گرفت. در نتیجه، ممکن است، تعارض حق آزادی دینی با آزادی بیان مطرح شود، که اجازه نشر تحقیقات علمی را خلاف عقاید دینی و مذهبی مطرح نماید. در این رابطه باید مطابق بند ۱ ماده ۶ قانون رسانه‌های همه‌گانی عمل نمود و: «ژورنالیستان در اجرای فعالیت‌های مسلکی مربوط به گزارش‌ها و نظریات انتقادی مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرند». هر چند در عمل به هیچ‌وجه این گونه نیست.

۲. توهین به عناوین اصلی: توهین به عناوین ملی از موضوعات دیگر مرتبط با بحث توهین است که شامل مجازات‌های مشدد می‌شود. در حقوق افغانستان در ماده ۲۹۴ ق.ج. مورد توجه قرار گرفته است: «هرگاه شخص به اشاره یا قول یا تهدید موظف خدمات عامه را در اثنای اجرای وظیفه و یا به سبب ادای آن توهین نماید، به حبس قصیری که از سه ماه کم‌تر و از شش ماه بیش‌تر نباشد و یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کم‌تر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند، محکوم می‌گردد». در مورد توهین به پرچم، ملت و یا نشان افغانستان نیز مقنن در ماده ۲۴۱ ق.ج. مقرر می‌دارد: «شخصی که توسط یکی از وسایل علنی، ملت افغان، بیرق و یا نشان دولت افغانستان را توهین نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد».

مشاهده می‌شود که دیدگاه مقنن در خصوص این موضوعات مجازات حداکثر کیفری است که به شدت با مرتکبان چنین جرایم و مسؤولیت‌هایی برخورد می‌شود.

۶-۲. روی‌کرد متناسب

در رابطه با اخذ روی‌کرد متناسب با شرایط و وضعیت فعلی رسانه در حقوق کشوری مانند افغانستان محدود نمودن اعمال مجازات‌های کیفری با در نظر داشت موارد ذیل است. این موارد می‌تواند روی‌کردی واقع‌گرا نسبت به مسؤولیت رسانه‌ای داشته باشد تا گستره اعمال ضمانت اجراهای کیفری توسعه نیابد.

۶-۲-۱. خصوصی‌انگاری

در حقوق جزا، جرایم مختلفی علیه حیثیت و شخصیت اشخاص ارتکاب می‌یابد که هر نظام حقوقی با توجه به شرایط خویش، موضع‌گیری خاص خود را نسبت به آن دارد. یکی از جرایم مربوطه، توهین به مقامات و کارکنان دولت است که در قانون جزای ما، آن را از عوامل مشدده جرم محسوب نموده و جنبه عمومی به آن داده است. لذا برخورد و مجازاتی که در نظر گرفته می‌شود از حالت عادی آن شدیدتر است. به‌عنوان مثال در ماده ۲۴۲ ق.ج. مقرر شده است: «شخصی که توسط یکی از وسایل علنی به رئیس جمهور اهانت نماید به حبس متوسط محکوم می‌گردد». در بند دوم آن نیز آمده است: «اگر جرم مندرج فقره فوق در محضر رئیس جمهور ارتکاب گردد، مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد». یکی از مضرات دارا بودن جنبه عمومی جرم، بسته شدن باب نقدپذیری نسبت به مقامات دولتی است. در نتیجه بردباری و پاسخ‌گوبودن مقامات سیاسی را در مواجهه با انتقاداتی که به ایشان وارد می‌شود از بین می‌برد. در واقع، ممکن است انتقاد از چنین مقاماتی هرگاه با الفاظ خشن صورت پذیرد؛ چنین برداشت شود که توهین صورت پذیرفته است، لازم است این‌گونه موارد، خصوصی‌انگاری شود. در نتیجه، در جامعه افغان با ساختارهای سنتی مختص به خویش، داشتن مسؤولیت اداری برای مسؤولین نباید به‌عنوان حفاظی از اقدامات‌شان باشد. (آقا بابایی، ۱۴۰۱ق: ۲۴).

۶-۲-۲. لزوم تمایز توهین از طنز و کاریکاتور

با استناد به آزادی بیان نقد اشخاص ممکن است و به روش‌های گوناگونی این نقد صورت می‌پذیرد. یکی از این روش‌ها بیان طنزگونه است. قطعاً در طنز شوخ طبعی وجود دارد و این شوخ طبعی اصالت طنز است. در قانون جزای افغانستان در ماده ۱۴۴ توهین را «نسبت‌دادن چیزی به شخصی، حتی بدون مأخذ به یک واقعه معین که در نتیجه آن عزت و شهرت شخص جریحه‌دار گردد» می‌دانند. طنز ممکن است علاوه بر نوشتار در قالب کاریکاتور باشد که دیدگاهی انتقادی را نسبت به موضوعی معین داشته باشد. بر اساس ماده ۱۴۱ قانون جزای افغانستان توهین زمانی احراز می‌شود که عزت و شهرت شخص جریحه‌دار شود. با این حال، ملاکی را برای این موضوع ارائه نمی‌نماید. ممکن است

شخص قادر به درک ماهیت طنز نباشد و متقاعد نشود و به‌عنوان شاکی اقامه دعوی اعاده حیثیت نماید. در این مواقع باید به تفسیر طنز پرداخته و آن را از هجو، توهین و افتراء تمییز داد. در واقع طنز نوعی بیان هنری و تفسیر اجتماعی است و با ویژه‌گی‌های ذاتی خود یعنی مبالغه و بیان دگرگون شده واقیعت، که هدفی غیر از توهین را دنبال می‌نماید، تمییز داد. در این مواقع نباید برداشت شخص، گروه یا نهاد مورد طنز را ملاک قرار داد، بل که باید برداشت اجتماعی و متعارف را مدنظر قرار داد. لذا باید زمانی طنز و کاریکاتور را توهین و یا افتراء محسوب نمود که عزت و شهرت شخص به‌طور واقعی مورد هجمه قرار گرفته باشد و نه برداشت خواهان که طنز و نقد را به هیچ‌وجه بر نمی‌تابد.

۷. انتشار دیدگاه‌های علمی نسبت به اشخاص دینی، ادیان و مذاهب

روی کرد فعلی حقوق افغانستان نسبت به ادیان، مذاهب و اشخاص برجسته و مطرح در تاریخ مذهبی، می‌تواند مانع از انتشار دیدگاه‌های علمی شود که با استدلال‌های مربوطه بیان می‌شود. هرگاه دیدگاه یک روزنامه‌نگار و مؤرخ در خصوص بحثی تاریخی که صبغه دینی و مذهبی دارد و تبدیل به باور عمومی شده است به چالش کشیده می‌شود، نباید توهین مذهبی و دینی محسوب شود و برای آن مجازات (توهین و یا تحریف) مقدسات به تعبیر کد جزا در نظر گرفت. برای مثال در فیلمی مستند که توسط دان گیسیون باستان‌شناس ساخته شده است و در آن (شهر مقدس) یعنی مکه فعلی با موقعیت جغرافیایی کنونی‌اش در عربستان را بر اساس منابع خاص و گزینشی، همان پترا در کشور اردن فعلی معرفی می‌نماید. فارغ از دیدگاه‌های محققین، نباید چنین تحقیقاتی را که بر اساس منابع موجود انجام می‌شود، هر چند نادرست باشد، توهین به ادیان و مذاهب تلقی کرد. لذا برای چنین اشخاصی که از رسانه‌های نوشتاری و دیداری برای بیان تحقیقات خویش استفاده می‌نمایند، نباید مسؤولیت کیفری و مدنی در نظر گرفت. هرچند در واقیعت با مطالب گفته شده فرسنگ‌ها فاصله داریم. به‌طوری که تحلیل و نقد علمی - تاریخی برخی عنعنات و مراسمات که به مرور زمان در فرهنگ ملل اسلامی رنگی مذهبی - دینی پیدا نموده‌اند با واکنش‌های گسترده‌ی دست‌گاه قضایی این کشورها روبه‌رو شده و آن را توهین به شعائر و آداب اسلامی تلقی نموده‌اند.

۸. افتراء

افتراء گسترده‌ترین مورد از زیر مجموعه هتک حرمت است و بدون شائبه از بین مسؤولیت‌های رسانه‌ای بیش‌ترین مسؤولیت را ایجاد می‌نماید. افتراء را عبارت از انتشار یا ابلاغ بیان‌های نادرست که موجب لطمه‌زدن به شهرت و اعتبار مردم می‌شود، تعریف نموده‌اند. (Lotasi, Pakpahan, Fitriyani)

5: 2021) Leonard, Pakpahan, Airini Batubara, 2021: 5) افترا می‌تواند در قالب نوشته، تصویر یا هر حالت پای‌دار دیگر و یا از طریق لفظ و گفتار و به‌صورت ناپای‌دار باشد. افتراء بیش‌ترین بخش از مسؤولیت‌های رسانه‌ای را دربر می‌گیرد. اهمیت این فعل به این دلیل است که با انتشار مطلبی که گاه خود شخص نمی‌داند شهرت و اعتبار دیگری را تحت تأثیر قرار داده، وی را مسؤول می‌دانند. بر همین مبنا در تعریفی خلاصه، افتراء: «نقض حق شهرت یک فرد یا گروهی از مردم است.

۹. ضمانت اجرای حقوقی

برای بیان رویکرد حقوق افغانستان باید به ضمانت اجرای قانونی اشاره کرد که قابلیت اعمال را پیدا می‌کند. در دوره بیست‌ساله حکومت سابق و با حضور ملل متحد در افغانستان و تعهداتی که دولت افغانستان نسبت به پاس‌داشت از آزادی بیان و هم‌گام‌شدن با تحولات حقوق رسانه و مسؤولیت‌های آن در عرصه بین‌الملل به عهده گرفته بود اقدامات متناسبی را در حوزه تقنین و تأسیس نهادهای عدلی مربوطه مانند کمیسیون تخطی‌های رسانه‌ای برداشت. حذف زندان‌ها در کُذ جزای افغانستان و گسترش ضمانت اجرای مدنی مانند عذرخواهی، اصلاح‌خبر، اخطار کتبی، محرومیت از برخی امتیازات و... مورد استفاده قرار گرفت. در این دوره قانون رسانه‌های همه‌گانی و سایر قوانین در ردیف آن به خوبی، آثار ناشی از فعالیت‌های رسانه‌ای را کنترل می‌نمود. با رجعت به قانون جزای سابق در نظام جدید، ضمانت اجرای کیفری گذشته مورد توجه قرار گرفته و ظرفیت حقوقی موجود در مواد قانون جزای افغانستان که قاضی را مخیر بین حبس و جریمه نقدی می‌کند.

۱۰. رویکرد متناسب

در رویکرد معیار و متناسب به افتراء در عرصه بین‌الملل و در حقوق کشورهای مدرن در خصوص بسیاری از مباحث مربوط به افتراء رسانه‌ای رویکرد متناسب با معیارها و ارزش‌های رسانه و اهدافی که برای آن متصور در نظر گرفته‌اند فرض مثال در احراز هتک حرمت با مصادیق بارز آن مانند قذف، توهین و افتراء انسان متعارف ملاک قرار می‌گیرد که چنانچه در معرض محتوای شفاهی، کتبی و تصویر و حتی حرکات (شکلک درآوردن و انداختن آب دهان) قرار گیرد آیا خسارتی متوجه وی گردیده است یا خیر؟ هتک حرمت مسؤولیت مستقلى نبوده و در قالب مسؤولیت‌های دیگری که در ضمن آن است جست‌وجو می‌شود، مانند افتراء، توهین و غیره... (علی نژاد، بی‌تا، ۱۰). برای احراز هتک حرمت باید دو شرط علنی بودن و معین بودن هتک حرمت تحقق یابد تا بتوان مصداق هتک حرمت را به‌دست‌آورد. نکته مهم وسایلی که می‌تواند علنی محسوب شود. در قانون جزای سال ۱۳۵۵ ه. ش. در تبیین وسایل علنی همان‌طور که در بند سه ماده ۱۳ آن آمده است، به وسایلی گفته می‌شد

که بیش از یک نفر را مخاطب قرار دهد که تنها شامل تلویویون، رادیو، روزنامه نمی شود و با توجه به تحولات این دو دهه شامل شبکه های اجتماعی نیز می گردد که این می تواند دایره ابزار رسانه ای گذشته را بسیار توسعه بخشد. امروزه می توان با استفاده از یک شبکه اجتماعی که در گوشی های تلفن همراه شخص پیدا می شود، با اظهار نظری که در قالب یک کامنت و نظر انجام می شود، وی را متهم به جرم و مسؤولیت هتک حرمت نموده و مجازات های سنگین جزایی مانند حبس را برای وی، قائل شد. با توجه به این که فرهنگ عامه مردم، به گونه ای است که به راحتی وارد این مباحث و اظهار نظرهای مختلف می شوند و بیش از یک نفر آن دیدگاه را می بیند آیا برآستی باید مقنن مجازات های بسیار سخت مواد ۲۴۱ و ۲۹۵ قانون جزا را اعمال کند؟ با در نظر داشت واقعیت عینی مقنن باید صرف رسانه های بزرگ و فراگیر عمومی را شامل و مصداق عینی موضوع بداند و نه رسانه های نوظهور اجتماعی را که روزانه اشخاص جزئی ترین اتفاقات زنده گی شان را به اشتراک گذاشته و به بیان دیدگاه خویش در قالب کامنت و نظر می پردازند و این بیانات انتقادی با ادامه یافتن به توهین و افتراء کشانیده می شود.

۱۱. مناقشه


با توجه به مطالب گفته شده، به ترین موضع مقنن ما هم گام شدن با ساختار نوینی است که در رابطه با رسانه ها و مسؤولیت برخاسته از آن در عرضه بین الملل و کشورهای اسلامی ایجاد شده است. بحث مناقشه بین دو روی کرد کیفری و مدنی مسؤولیت رسانه ای در حقوق کشورها پیرو نظام حاکم بر آن می باشد. ممکن است در دوره ای، نظم عمومی حاکم بر جامعه بیش تر بر اساس ضمانت اجرای کیفری تأمین گردد، اما در نظام حقوقی بعد از آن با گسترش و تنوع رسانه ها با جایگزین کردن ضمانت اجرای مدنی، نظم حاکم بر جامعه رسانه حاصل آید. باید دانست، در هیچ نظام حقوقی، روی کردی کاملاً صرف کیفری و یا مدنی نسبت به فعالیت های رسانه ای وجود نخواهد داشت. در قانون جزای سال ۵۵ ما نیز که دوباره نافذ گردیده است، ما روی کردی کاملاً کیفری نداشته ایم. در واقع ضمانت اجرای قابل اعمال در هر نظام هم گام با اقتضائات رسانه در همان نظام پیش خواهد رفت، انقباض و انبساط ضمانت اجرای کیفری و مدنی بسته به روی کرد نظام حاکم بر مردم و رسانه خواهد بود. با این حال حمایت از رسانه و اصحاب رسانه بر نمی تابد با توجه به نقش فعال و غیر قابل انکاری که این پدیده در دوره معاصر پیدا نموده است و روزبه روز توسعه بیش تر می یابد به گونه ای که اشخاص به صورت انفرادی، با استفاده از شبکه های اجتماعی خود به صورت انفرادی نقش رسانه را ایفاء می نمایند با ابزارها و ضمانت اجرای کیفری باعث گردیم رسانه و اصحاب آن، به گونه که باید نقش خویش را در توسعه جامعه ما ایفا ننماید.

۱۲. نتیجه‌گیری


پرسش اصلی تحقیق این بود که آیا می‌توان در حوزه رسانه مسؤولیت مدنی را بدیلی برای مسؤولیت کیفری در نظر گرفته و ضمانت‌های اجرایی مدنی را به‌عنوان جای‌گزین ضمانت‌های اجرایی سخت‌گیرانه کیفری مانند زندان و شلاق و غیره مطرح کرد؟ با توجه به مباحث گفته شده و با در نظر داشت دلایل هم‌چون: ضرورت حمایت از آزادی بیان، گردش آزاد اطلاعات، صیانت از حقوق طرفین دعوای رسایی، قابلیت جای‌گزینی غرامت مالی، امکان جبران خسارت توسط بیمه و هم‌سوی با رویه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای متمدن دیگر، سیاست جنایی مناسب، هم‌گام‌شدن با ساختار نوینی است که این روزها در عرصه بین‌المللی و کشورهای اسلامی در حوزه رسانه اتخاذ شده است. بدین‌روی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پاسخ این پرسش مثبت است و جای‌گزینی مسؤولیت مدنی نه‌تنها جایز که به لحاظ منطق حقوقی و معیارهای قانون‌نگاری، لازم می‌باشد. شایسته است با توجه به شرایط و اقتضات دنیای جدید و غیرقابل تفکیک‌بودن زنده‌گی انسان از رسانه و توسعه روزافزون آن و تبدیل شدن آن به یک نیاز حتمی و ضروری که در نتیجه استفاده آن برای انتقال اطلاعات، میزان جرایم به‌نحو باورنکردنی رشد کرده و تراکم پرونده‌های رسانه‌یی را در محاکم شاهد هستیم که رسیده‌گی به آن‌ها نیز خارج از حوصله و زمان محاکم می‌باشد. لذا ضروری است برای جلوگیری از این موارد و در جهت حمایت از آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها بستر توسعه مدنی‌سازی برخی جرایم رسانه‌یی فراهم آید. در این راستا برخی قواعد فقهی مانند قاعده اقسام و احسان و... و برخی ادله حقوقی و اجتماعی و جامعه‌شناختی، حامی و موید این روی‌کرد است. در نهایت می‌توانیم برای سهولت تطبیق این نظریه و روی‌کرد متوازن و سازگاری بیش‌تر با واقعیات دنیای رسانه از غرامت‌های بین‌المللی مانند غرامت اسمی، نکوهش‌گر، تنبیهی و تشدید یافته و یا حتی نهاد مستحکم بیمه که تا حدودی در عرصه بین‌الملل رشد و گسترش یافته‌اند و در واقع تعارضی با مبانی اسلامی ندارند استفاده نماییم.

ORCID


Sayed abbas hussaini

 <https://orcid.org/0009-0007-8338-6939>

Pro.Alireza Bariklou

 <https://orcid.org/0000-0002-9830-8710>

Abdulreza Alizadeh

 <https://orcid.org/0000-0003-0080-3068>

Abdullah Rajabi

 <https://orcid.org/0000-0003-3942-5973>

سرچشمه‌ها

۱. ابراهیمیان، حجت اله، و صدیقی، عبدالسبحان. (۱۳۹۸). «کیفر توهین و دشنام اشخاص از دیدگاه فقه‌های مذاهب اسلامی و حقوق ایران و افغانستان». فقه مقارن. ۷(۱۴): ۲۴۵-۲۶۵. SID. <https://sid.ir/paper/267049/fa>
۲. ابیک، صدیقه. (۱۳۹۳). «تحلیل حقوقی - اقتصادی خسارت تنبیهی». پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی. دانش‌گاه علامه طباطبائی.
۳. احمدی، احمد؛ رضایی، محسن. (۱۳۹۴). «آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران». فصل نامه پژوهش حقوق کیفری. ۴(۱۴): ۱۱۵-۱۴۴. doi: 10.22054/jclr.2016.3956
۴. اسدی، عباس؛ بابازاده مقدم، حامد و امیر سلمان پور. (۱۳۹۵). «تعهدات دولت‌ها برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در رسانه‌ها». نشریه علوم خبری. ۵(۲۰): ۱۴۵-۱۶۶. https://www.mjourncom.ir/article_119665.html
۵. امیرحسینی، امین، و برزویی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «عوامل رافع مسؤولیت مدنی رسانه‌های جمعی در نظام حقوقی ایران». مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۷(۳۶): ۲۹-۵۱. SID. <https://sid.ir/paper/213586/fa>
۶. انصاری، باقر. (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی مسؤولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مربوط به شخصیت در رسانه‌ها». مجله علمی "حقوق خصوصی". ۹(۲): ۶۷-۹۹. doi: 10.22059/jolt.2013.35160
۷. آقابابایی، حسین. (۱۴۰۱). «سلب جنبه عمومی از جرم توهین به مقامات در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری». مجله حقوقی دادگستری. ۸۶(۱۲۰): ۱-۲۶. doi: 10.22106/jlj.2022.538071.4384
۸. بادینی، حسن؛ عباسی، سمیه. (۱۳۹۶). «ارزیابی مسؤولیت مدنی و مقررات ایمنی در پیش‌گیری از فعالیت‌های خطرآفرین». مجله حقوقی دادگستری. ۸۱(۹۹): ۳۱-۵۸. doi: 10.22106/jlj.2017.29207
۹. پارساپور، محمدباقر؛ اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۳). «آثار زمان و مکان در تحول حقوق مسؤولیت مدنی در نظام حقوق ایران و فرانسه». پژوهش نامه حقوق اسلامی. ۱۵(۲ (پیاپی ۴۰)): ۱۶۱-۱۸۴. SID. <https://sid.ir/paper/229415/fa>
۱۰. حبیبی، محمدحسن. (۱۳۸۲). «بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی». حقوق اساسی، ۱(۱): ۰-۰. SID. <https://sid.ir/paper/474982/fa>
۱۱. حسینی، سید احسان. (۱۳۹۷). «تعامل میان مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری و مقایسه قواعد حاکم بر آنها». اولین همایش ملی ارتقاء نظام مسؤولیت مدنی در حقوق ایران؛ چالش‌ها و راه‌کارها. [www. https://civilica.com/doc/832567/](https://civilica.com/doc/832567/)
۱۲. حکیم، محمد تقی. (۱۴۱۸ق). اصول العامه فی الفقه المقارن. ج ۲. قم: بی‌جا.

۱۳. حیدری، محمدعلی هم‌کاران. (۱۳۹۶). «مناسبات قاعده مصلحت و رسانه». international Multidisciplinary Journal of Pure Life . ۱۴ . ۸۷ - ۱۰۸ . <http://noo.rs/bBMrf>.
۱۴. خطیب شربینی، محمد ابن احمد. (۱۴۱۳ق). **مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج**. دمشق: دارالزهرة.
۱۵. دهباشی، مسعود؛ فنائی، رویا. (۱۳۹۷). «مسؤولیت رسانه‌ها در جبران ضرر ناشی از نشر اکاذیب». کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی. SID. <https://sid.ir/paper/898075/fa>.
۱۶. رزمان، علی. (۱۳۹۷). «رسانه‌ها و جرم». قانون‌یار. ۲(۵). ۱۰۱-۱۱۸. SID. <https://sid.ir/paper/259737/fa>.
۱۷. رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه و سمانه رضاییان. (۱۳۹۴). «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی». اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی. ۴(۲). ۵۱-۷۵. SID. <https://sid.ir/paper/254820/fa>.
۱۸. رضایی، مهدی؛ بابازاده مقدم، حامد. (۱۳۹۳). «اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا». پژوهش حقوق عمومی. ۱۵(۴۲). ۴۳-۸۲. https://qjpl.atu.ac.ir/article_254.html.
۱۹. رعیت ابراهیم آبادی، اسماعیل. (۱۳۹۹). «مبانی و لوازم آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در پرتو مسؤولیت مدنی». ششمین همایش ملی حقوق. چالش‌های مدیریت قضایی و دادرسی در قوه قضائیه. دانش‌گاه آزاد اسلامی واحد میبد. WWW. <https://civilica.com/doc/1224410/>.
۲۰. روشن، محمد؛ خلیل زاده، سید محمد مهدی. (۱۳۹۰). «مسؤولیت مدنی اصحاب رسانه با مطالعه موردی در مطبوعات». رسانه. سال ۲۱. شماره ۳. <http://noo.rs/bT8xs>.
۲۱. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ق). **الفقه الاسلامی و ادلته**. ج ۴. دمشق: دارالفکر.
۲۲. صفایی، سید حسین و هم‌کاران. (۱۳۹۳). «مسؤولیت مدنی - الزامات خارج از قرارداد» ج ۷. تهران: انتشارات سمت.
۲۳. طباطبائی نژاد، سید محمد. (۱۳۹۷). «وحدت‌گرایی در قواعد مسؤولیت مدنی: مطالعه موردی نظام اتحادیه اروپا». پژوهش حقوق خصوصی. ۶(۲۲). ۶۹-۹۲. doi: 10.22054/jplr.2017.6597.1152.
۲۴. طباطبائی نژاد، سیدمحمد؛ کاظمی، محمود. (۱۳۹۸). «تعامل حقوق عمومی و خصوصی در مورد مسؤولیت مدنی». مطالعات حقوق خصوصی (حقوق). ۴۹(۴). ۶۹۷-۷۱۶. SID. <https://sid.ir/paper/124735/fa>.
۲۵. عبداللهی، محسن. (۱۳۸۲). «خسارات تنبیهی در حقوق بین‌الملل». مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۱(شماره ۳۰ (بهار و تابستان)). ۸۵-۱۱۸. doi: 10.22066/cilamag.2004.18024.

۲۶. عمید، حسن. (۱۳۸۹). **فرهنگ لغت فارسی جیبی**. تهران: انتشارات راه رشد.
۲۷. غزالی، محمد بن محمد. (۵۱۱۹ه). **المستصفی من علم الاصول** (به ضمیمه فواتح الرحموت بشرح مسلم الثبوت). ج ۱. لبنان: شركة دار الأرقم بن ابي الأرقم.
۲۸. غفاری، هدی. (۱۳۹۳). «مسئولیت رسانه‌های همه‌گانی ناشی از اخلال در رسیده‌گی‌های قضایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات. دانش‌گاه علامه طباطبایی.
۲۹. غفاری، هدی، و زمانی، محمود. (۱۳۹۷). بیمه‌ی مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴ (۵۰): ۱۶۲-۱۹۶. SID. <https://sid.ir/paper/372285/fa>.
۳۰. فقیه حبیبی، علی؛ صفایی‌فر، عباس. (۱۳۹۳). «توسعه مسئولیت مدنی در جرائم رسانه‌ها و مطبوعات». فصل‌نامه علوم خبری. سال ۲. شماره ۹. <http://noo.rs/FfRaO>.
۳۱. قوی‌البنیه، ابوالفضل. (۱۳۹۳). «امکان سنجی تأسیس نهاد خسارت تنبیهی در فقه و حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق امریکا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق. گرایش حقوق خصوصی. دانش‌گاه امام صادق.
۳۲. کاظم، معتمدنژاد. (۱۳۸۵). **وسایل ارتباط جمعی**. ج ۱. چ ۵. تهران: دانش‌گاه علامه طباطبایی.
۳۳. لطفی، واهب. (۱۳۹۸). «الزام کیفری به نظام‌مندی‌سازی مسئولیت کیفری در رسانه‌های الکترونیکی». قانون‌یار. ۳ (۱۲): ۴۱۱-۴۴۰. SID. <https://sid.ir/paper/520977/fa>.
۳۴. لطفی‌دوران، علیرضا و هم‌کاران. (۱۳۹۸). «امکان صدور حکم به خسارت تنبیهی از سوی نهادهای داوری در نظام حقوقی ایالات متحده امریکا و ایران» حقوق خصوصی. ۱۶ (۲). <https://civilica.com/doc/1520362>.
۳۵. محمدی، احمد مسعود. (۱۳۹۸). **جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و افغانستان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. جامعه المصطفی‌العالمیه. واحد گرگان.
۳۶. مرادی، قاسم؛ مرادی، محمدحسین. (۱۳۹۷). «عوامل عملی و نظری ناکارآمدی کیفر حبس». قانون‌یار. ۲ (۵): ۱۷۳-۱۹۲. SID. <https://sid.ir/paper/259730/fa>.
۳۷. میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). **جرایم علیه اشخاص**. چ ۱۲. نشر میزان.
۳۸. میرزایی، گرمی و هم‌کاران. (۱۳۹۹). «مطالعه تطبیقی مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی در حقوق موضوعه ایران (فرانسه و انگلستان)». نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی. شماره ۳. <https://civilica.com/doc/1734788>.
۳۹. نسفی، عبدالله ابن احمد. (۱۴۱۳ ق). **مدارک التنزیل**. دمشق الصوره.
۴۰. ویژه، محمد رضا؛ تقی‌خوانی، مریم. (۱۳۹۵). «مسئولیت کیفری نویسنده و مدیرمسئول در قلمرو جرائم مطبوعاتی». فصل‌نامه رسانه. ۲۷ (۳): پیاپی ۱۰۴. <http://noo.rs/HIbUy>.
۴۱. **قانون مدنی، مصوب ۱۳۵۵؛**

۴۲. قانون جزا، مصوب ۱۳۵۵؛

۴۳. کُد جزا، مصوب ۱۳۹۵؛

۴۴. قانون رسانه‌های همه‌گانی؛ مصوب ۱۳۸۸؛

۴۵. مجله الاحکام العدلیه؛ ۱۳۹۳ق؛

۴۶. کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، مصوب ۱۹۵۰م؛

۴۷. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶م.

48. Wehmeier, sally, Axford advanced learners dictionary, axford university press, 7th ed, 2008.

49. Amponsah, Peter Nkrumah, Libel Law, Political Criticism, and Defamation of Public Figures, The United States, Europe, and Australia, (New York: LFT Scholarly Publishing LLC, 2004)

50. Dulčić, Katrina, NEW MEDIA AND CIVIL LIABILITY, Journal of International Scientific Publications, Media & Mass Communication, ISSN 1314-8028, Volume 3, 2014, Polytechnics Nikola Tesla in Gospić, www.scientific-publications.net.

51. Lotasi ,Freddy, Pakpahan, Kartina, Fitriyani Pakpahan, Elvira, Leonard, Tommy, Airini Batubara, Sonya, Comparative Law of Defamation Law Through social Media In New York Based on The New York Consolidated Laws and In Indonesia, ICLHR 2021, April 14-15, Jakarta, Indonesia Copyright © 2021 EAI DOI 10.4108/eai.14-4-2021.2312839

52. Alhajri, thafar, Tortious liability of mass media for the invasion of personal rights: A comparative study between English law and Kuwaiti law, International Review of Law 2014: 8 <http://dx.doi.org/10.5339/irl.2014.8>.

References

1. Ebrahimian, Hojjat Elah, and Siddiqi, Abdul Sabhan. (2018). "Punishment of insulting and slandering persons from the point of view of jurists of Islamic schools and the laws of Iran and Afghanistan". Symmetric jurisprudence. 7(14). 245-265. SID. <https://sid.ir/paper/267049/fa>.
2. Abak, Siddiqa. (2013). "Legal-economic analysis of punitive damages". Master's thesis in economic law. Allameh Tabatabaei University.
3. Ahmadi, Ahmad; Rezaei, Mohsen. (2014). "Effects of globalization of crime in the field of criminal law of Iran". Criminal Law Research Quarterly. 4(14). 115-144. doi: 10.22054/jclr.2016.3956.
4. Asadi, Abbas; Babazadeh Moghadam, Hamed and Amir Salmanpour. (2015). "Obligations of governments to ensure and guarantee the right to human dignity in the media". Journal of News Sciences. 5(20). 145-166. https://www.mjourcom.ir/article_119665.html.
5. Amirhosseini, Amin, and Barzoui, Mohammadreza. (2015). "Factors that reduce the civil responsibility of mass media in Iran's legal system". Culture Studies - Communication. 17(36). 29-51. SID. <https://sid.ir/paper/213586/fa>.
6. Ansari, Baqir. (2011). "Comparative study of civil liability resulting from the violation of personality rights in the media". "Private Law" scientific journal. 9(2). 67-99. doi: 10.22059/jolt.2013.35160.

7. Aghababai, Hossein. (1401). "Removing the public aspect of the crime of insulting officials in the law on reducing the punishment of imprisonment". *Legal Journal of Justice*. 86 (120). 1-26. doi: 10.22106/rlj.2022.538071.4384.
8. Badini, Hassan; Abbasi, Samia. (2016). "Evaluation of civil responsibility and safety regulations in preventing dangerous activities". *Legal Journal of Justice*. 81(99). 31-58. doi: 10.22106/rlj.2017.29207
9. Parsapour, Mohammad Bagher; Ismaili, Mehdi. (2013). "Effects of time and place in the evolution of civil responsibility rights in the legal system of Iran and France". *Islamic law research paper*. 15(2 (40 consecutive)). 161-184. SID. <https://sid.ir/paper/229415/fa>.
10. Habibi, Mohammad Hassan. (1382). "Examination of people's right to know as a basic right". *Constitutional Rights*, 1(1), 0-0. SID. <https://sid.ir/paper/474982/fa>.
11. Hosseini, Seyyed Ehsan. (2017). "Interaction between civil responsibility and criminal responsibility and comparing the rules governing them". The first national conference to promote the system of civil responsibility in Iranian law; Challenges and solutions. www.civilica.com/doc/832567/.
12. Hakim, Mohammad Taghi. (1418 AH). *Usul al-Ama fi fiqh al-maqarn*. Ch2. Qom: Out of place.
13. Heydari, Mohammad Ali colleagues. (2016). "Relationship between expediency rule and media". *International Multidisciplinary Journal of Pure Life*. 14. 87-108. <http://noo.rs/bBMrf>.
14. Khatib Sherbini, Muhammad Ibn Ahmad. (1413 AH). *Maghni al-Mahatah to know the meanings of the words of al-manhaj*. Damascus: Dar al-Zahrah.
15. Dehbashi, Massoud; Fanai, dream. (2017). "The responsibility of the media in compensating for the loss caused by the publication of lies". National conference of new achievements of the world in education, psychology, law and social cultural studies. SID. <https://sid.ir/paper/898075/fa>.
16. Razman, Ali. (2017). "Media and Crime". *lawman* 2(5). 101-118. SID. <https://sid.ir/paper/259737/fa>.
17. Razmi, Mohammad Javad; Sediqi, Somia and Samaneh Rezaian. (2014). "Requirements to realize good governance to achieve human development". *Development and planning economics*. 4(2). 51-75. SID. <https://sid.ir/paper/254820/fa>.
18. Rezaei, Mehdi; Babazadeh Moghadam, Hamed. (2013). "Principles of drafting rules and regulations for the Internet with emphasis on the approvals of UNESCO and the Council of Europe". *Public law research*. 15(42). 43-82. https://qjpl.atu.ac.ir/article_254.html.
19. Rait Ebrahimabadi, Ismail. (2019). "Fundamentals and tools of freedom of the press and media in the light of civil responsibility". Sixth National Law Conference. Challenges of judicial management and proceedings in the judiciary. Islamic Azad University gives a unit. WWW. <https://civilica.com/doc/1224410/>.
20. Roshan, Mohammad; Khalilzadeh, Seyyed Mohammad Mehdi. (1390). "Civil responsibility of media members with a case study in the press". *Media*. Year 21. Number 3. <http://noo.rs/bT8xs>.
21. Zaheili, Wahbe. (1418 AH). *Islamic jurisprudence and justice*. C4. Damascus: Dar al-Fekr.
22. Safai, Seyed Hossein and colleagues. (2013). "Civil liability - non-contractual requirements" Ch7. Tehran: Samit Publications.
23. Tabatabaiejad, Seyyed Mohammad. (2017). "Unitarianism in the rules of civil responsibility: a case study of the European Union system". *Private law research*. 6(22). 69-92. doi: 10.22054/jplr.2017.6597.1152.
24. Tabatabaiejad, Seyyed Mohammad; Kazemi, Mahmoud. (2018). "Interaction of public and private law regarding civil responsibility". *Studies of private law (law)*. 49(4). 697-716. SID. <https://sid.ir/paper/124735/fa>.
25. Abdullahi, Mohsen. (1382). "Punitive damages in international law". *International Law Journal*, 21 (No. 30 (Spring and Summer)). 85-118. doi: 10.22066/cilamag.2004.18024.

26. Omid, Hassan. (1389). Persian pocket dictionary. Tehran: Rah Roshd Publications.
27. Ghazali, Muhammad bin Muhammad. (1119 AH). Al-Mustafafi Man Alam al-Asul (with the appendix of Fatah al-Rhumut explained by Muslim al-Thawt). C1. Lebanon: Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam. The
28. Ghafari, Hoda. (2013). "Responsibility of public media due to disruption in judicial proceedings". Master's thesis on communication law. Allameh Tabatabaei University.
29. Ghaffari, Hoda, and Zamani, Mahmoud. (2017). Public media civil liability insurance. Cultural Studies and Communication, 14(50), 162-196. SID. <https://sid.ir/paper/372285/fa>.
30. Faqih Habibi, Ali; Safaifar, Abbas. (2013). "Development of civil responsibility in media and press crimes". Journal of news sciences. Year 2. Number 9. <http://noo.rs/FfRaO>.
31. Qawy al-Baniyyah, Abul Fazl. (2013). "Feasibility of establishing the institution of punitive damages in Iranian jurisprudence and law with a comparative study in American law. Master's thesis in Islamic studies and law. Private law orientation. Imam Sadiq University.
32. Kazem, Motamed-Najad. (1385). Mass communication tools. C1. Ch5. Tehran: Allameh Tabatabai University.
33. Lotfi, Wabb. (2018). "Criminal obligation to systematize criminal liability in electronic media". lawman 3(12). 411-440. SID. <https://sid.ir/paper/520977/fa>.
34. Lotfidoran, Alireza et al. (2018). "The possibility of awarding punitive damages by arbitration institutions in the legal system of the United States of America and Iran" private law. 16(2). <https://civilica.com/doc/1520362/>.
35. Mohammadi, Ahmad Massoud. (2018). Compensation for moral damage in the legal system of Iran and Afghanistan. Master's thesis in private law. Al-Mustafa Al-Alamiya Society. Gorgan unit.
36. Moradi, Qasim; Moradi, Mohammad Hossein. (2017). "Practical and theoretical factors of the ineffectiveness of imprisonment". lawman 2(5). 173-192. SID. <https://sid.ir/paper/259730/fa>.
37. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein. (2012). Crimes against individuals. Ch 12. Nash Mizan.
38. Mirzaei, Garmi et al. (2019). "Comparative study of the theoretical foundations, goals and methods of compensation in civil liability in the subject law of Iran (France and England)". Islamic jurisprudence and fundamentals of law journal. Number 3. <https://civilica.com/doc/1734788/>.
39. Nasfi, Abdullah Ibn Ahmad. (1413 AH). Download documents. Damascus, Surya.
40. Special, Mohammad Reza; Taghikhani, Maryam. (2015). "Criminal responsibility of the author and responsible manager in the field of press crimes". Media Quarterly. 27(3). Serial 104. <http://noo.rs/HlbUy..>
41. Civil Law, approved in 1355;
42. Criminal Law, approved in 1355;
43. Penal Code, approved 2015;
44. Mass Media Law; Approved 1388;
45. Ahkam al-Adliyya magazine; 1293 AH;
46. European Convention on Human Rights, approved in 1950;
47. International Covenant on Civil and Political Rights, approved in 1966.